

تعلیمات پیامبر

در سال پیامبر اعظم (ص)

نامگذاری این سال به نام مبارک «پیامبر اعظم» یک پیام دارد؛ این پیام را باید با همه وجود و با همه دل دریافت کنیم و به اقتضای آن پیش برویم، و فقط این نیست که سال را متبرک کنیم به نام مبارک پیامبر. آن پیام، این است که جامعه‌ی ما - از فرد و مجموعه - باید روزبه‌روز خود را به آنچه که پیامبر برای آن کمر همت بست و آن تلاش و مجاهدت را مبذول کرد، نزدیک کند. اهداف والای پیامبر اسلام را در «یک جمله» نمی‌توان گنجانید؛ لیکن می‌توان سرفصلهایی از آن را سرمشق کار خود در طول یک سال، یک دهه و یک عمر قرار داد.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار عمومی بسیجیان

۸۵/۱/۶

این است که ملت ایران و شما جوانان در این راه، محکم بایستید و پیش بروید. خوشبختانه مسئولین کشور، همه با گام محکم به پیش می‌روند و در این راه استقامت می‌ورزند. حالا امروز قضیه‌ی فناوری هسته‌ای مطرح است و تبلیغات دشمن و جنگ روانی شبکه‌های تبلیغاتی صهیونیستی در دنیا شایعه می‌پراکنند که: ایران دارد بمب اتم درست می‌کند، ایران حاضر نیست با کشورهای اروپایی و غیر اروپایی مذاکره کند؛ خوب، اینها حرفهایی است که می‌زنند، کاری است که می‌توانند بکنند و می‌کنند، و دشمنی‌ای است که می‌تواند به خرج دهند و به خرج می‌دهند؛ اما حقیقت قضیه غیر از اینهاست؛ ما هم می‌دانیم، آنها هم می‌دانند. حقیقت قضیه این است که با پیشرفت ملت ایران مخالفند؛ چون این پیشرفت جلوی منافع نامشروع آنها را برای همیشه در این کشور خواهد گرفت؛ لذا مخالفند. من در مشهد گفتم، حرف دل امریکاییها این است که ما در این مملکت، یک روزی بر همه چیز این کشور مسلط بودیم، انقلاب شما مردم آمده، دست ما را کوتاه کرده؛ بگذارید دوباره مسلط شویم؛ این حرف دل امریکاییهاست.

امروز بحمد... جوانهای ما، مردم ما، مرد و زن ما، و همه‌ی اقشار ملت ما با آگاهی و بیداری، راه خودشان را پیدا کرده‌اند و پیش می‌روند. مسئولین کشور هم بحمد... با شجاعت و تدبیر و به برکت این روحیه‌ی جوان و پُرشور، و گرایش عموم جوانان ما به تحصیل مدارج عالی در علم و عمل، دارند راه را طی می‌کنند و پیش می‌روند. ان‌شاء... این کشور به نقطه‌ای خواهد رسید که دشمنان را از اینکه بخواهند دست‌اندازی کنند، مأیوس کند.

امیدواریم خداوند متعال به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) همه‌ی شما جوانها، بسیجیان و ملت عزیز ایران را مشمول توفیقات و رحمت و لطف خود قرار دهد و ان‌شاء... بتوانید در این برهه‌ی از زمان، در این مقطعی که فرصت متعلق به شماست، کشور را طوری بسازید که نسلهای آینده از شما متشکر باشند و از شما به نیکی یاد کنند.

والسّلام علیکم و رحمه... و برکاته

بسم...الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، به خصوص برادران و خواهرانی که از نقاط مختلف کشور در اینجا گرد آمده‌اید، خوش آمد عرض می‌کنم و امیدوارم سال جدید برای یکایک شما و همه‌ی جوانان عزیز کشورمان، سال موفقیت و شادابی و پیشرفت باشد.

نامگذاری این سال به نام مبارک «پیامبر اعظم» یک پیام دارد؛ این پیام را باید با همه‌ی وجود و با همه‌ی دل دریافت کنیم و به اقتضای آن پیش برویم، و فقط این نیست که سال را متبرک کنیم به نام مبارک پیامبر. آن پیام، این است که جامعه‌ی ما - از فرد و مجموعه - باید روزبه‌روز خود را به آنچه که پیامبر برای آن کمر همت بست و آن تلاش و مجاهدت را مبذول کرد، نزدیک کند. اهداف والای پیامبر اسلام را در «یک جمله» نمی‌توان گنجانید؛ لیکن می‌توان سرفصلهایی از آن را سرمشق کار خود در طول یک سال، یک دهه و یک عمر قرار داد.

یک سرفصل عبارت است از تکمیل مکارم اخلاقی: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». جامعه بدون برخوردارگی افراد از خلقیات نیکو، نمی‌تواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند. آنچه فرد و

جامعه را به مقامات عالی انسانی می‌رساند، اخلاق نیکوست. اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلقیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است. مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یکدیگر باشند، دچار حيله‌گری با یکدیگر باشند، دچار

جامعه بدون برخوردارگی افراد از خلقیات نیکو، نمی‌تواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند. آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی می‌رساند، اخلاق نیکوست. اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلقیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است.

ملت صد سال قبل است. صد سال قبل مسئولان این کشور و این ملت، در مقابل دشمنان، خودشان را دچار وادادگی کردند و ایستادگی نکردند؛ اجازه دادند دشمن بیاید و وارد این سرزمین شود؛ بر اقتصاد، سیاست، منابع و نفت این کشور تسلط پیدا کند؛ دشمن هم قدم به قدم جلو آمد. راه را قاجاریه باز کردند؛ اما دشمن پاداش آنها را این‌طوری داد که پهلوی را سر کار آورد؛ نوکرِ قلدرِ گوش به فرمان. روزبه‌روز سلطه‌شان را بر این مملکت بیشتر کردند. در انقلاب، همان ملت بود که با رهبری امام بزرگوار ما به خود آمد، بیدار شد، عقده‌های فرو خفته و دردهای متراکم دورانهای گذشته، او را وادار به حرکت کرد؛ کاری کرد که ملت را از ته دره‌های فراموش شدگی و ذلت، به اوج عزت رساند. امروز ملت ایران، یکی از عزیزترین ملت‌های دنیاست؛ نه فقط در نظر مسلمانها، حتی در نظر دشمنانش. استقامت، این است. این راه را بایستی ملت ایران با قدرت تمام ادامه دهد.

حالا امروز مسئله‌ی فناوری هسته‌ای مطرح است. این هم که مطرح نباشد، یک موضوع دیگر مطرح خواهد شد؛ دشمن عادتش این است. هر چیزی که برای یک ملتی مایه‌ی پیشرفت است، برای قدرتهای بین‌المللی، آن چیز یک خطر محسوب می‌شود؛ نباید ملت‌ها پیشرفت کنند. ملت اگر خودش توانایی استخراج نفت را می‌داشت و توانایی پالایش نفت را می‌داشت و توانایی استحصال گوناگون از نفت را می‌داشت، دیگر چرا انگلیسها بیایند استخراج و پالایش را به عهده بگیرند و امتیاز آن را در جیب خود بریزند. آن روز از ناتوانیهای ملت استفاده می‌کردند. حالا این ملت به توانایی رسیده، می‌خواهد خودش کشورش را اداره کند، می‌خواهد خودش استحصال کند، می‌خواهد خودش این استعدادها را پرورش بدهد و می‌خواهد برای کشور خودش این استعدادها را به کار بیندازد؛ اما آنها ناراحتند.

امروز دشمن ملت ایران در درجه‌ی اول، امریکا و صهیونیستها هستند؛ البته انگلیس هم آتش‌بیار معرکه است. در مقابل منافع ملت ایران، آنها قرار دارند؛ اما اسمش را می‌گذارند اجماع جهانی؛ اجماع جهانی‌ای وجود ندارد! اجماع جهانی، علیه استکبار امریکاست، علیه دخالت‌ها و اشغال امریکاست، علیه جنگ‌افروزیها و فتنه‌انگیزیهای امریکا در سرتاسر دنیاست؛ این اجماع جهانی است. «مرگ بر امریکا»

گفتند. این استقامت، ما را در این جنگ طولانی و دشوار - هشت سال (۱) - موفق کرد و پیروز شدیم، و دشمن خوار و خفیف شد. همه‌ی آن نیروهای جهنمی که پشت سر رژیم بعثی بودند، مجبور شدند به قدرت و عظمت ملت ایران اعتراف کنند. بعدها هم به شکلهایی دیگر و امروز هم به شکل دیگر.

«تهدید» یکی از کارهای دشمن است؛ یکی از شیوه‌های دشمن، تهدید کردن است. ممکن است در یک مواردی تهدید خود را عمل هم کند؛ اما آن ملتی در این میدان کشمکش خواهد توانست عظمت، عزت، هويت و منافع خود را حفظ کند که عقب‌نشینی نکند و بایستد. این استقامت - «فما استقاموا لکم فاستقیموا لهم»؛ تا وقتی که دشمن در مقابل شماست و علیه شما ابزارهای تهدید و تخویف خود را مطرح می‌کند، باید ایستادگی کنید - در چند جای قرآن تکرار شده است؛ ایستادگی. یک ملت منفعی دارد - مشروع و مباح، معقول و منطقی - خوب می‌خواهد این منافع را تحصیل کند. ملت، استعدادی در جوانانش هست، برکاتی در زمینش هست و موقعیتی در جایگاه جغرافیایی‌اش هست؛ یک ملت حق دارد از اینها استفاده کند. قدرتهای زورگوی دنیا (نه امروز، از قدیم) عادت کرده‌اند دست روی منافع ملت‌ها بگذارند و بگویند این مال من. هر جا ملت‌ها و رهبران آنها کوتاه آمده‌اند، آنها جری‌تر شده‌اند. انگلیسها شبه‌قاره‌ی هند را در قرن نوزدهم گرفتند، ثروت شبه‌قاره را مثل خونی نوشیدند، خودشان را قوی کردند و هند را ضعیف. این‌طوری است. وقتی یک ملتی در مقابل طمع‌ورزی دشمنان قوی پنجه عقب‌نشینی می‌کند، میدان را برای آنها باز می‌کند. او در یک چنین وضعیتی، این‌طور نیست که حالا بگوید، به اینها رحم کنیم، ملاحظه کنیم، اینها عقب‌نشینی کردند؛ نخیر، تا این ملت عقب‌نشینی کند، آن جلو می‌آید و بدون مانع، پنجه‌های خود را در گوشت و پوست این ملت فرو می‌کند و تا جایی که زورش برسد، از او می‌کند؛ او را ضعیف می‌کند و خودش را قوی می‌کند.

ملت‌ها همیشه آماده‌ی مقاومتند؛ مهم رهبران آنهاست. شما ببینید این ملت فلسطین که امروز این‌طور ایستاده است، همان ملت فلسطین پنجاه سال قبل است. آن روز ایستادگی نکرد، آن بلاها سرش آمد؛ امروز ایستادگی می‌کند و دشمن را قدم به قدم مجبور به عقب‌نشینی می‌کند. ملت ایران امروز همان

حرص به دنیا و بخل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه‌ورزی با یکدیگر باشند، در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عمل شود، سعادت در این جامعه نیست. اگر علم هم پیشرفت کند و تمدن ظاهری هم به منت‌های شکوه برسد، این جامعه، جامعه‌ی بشری مطلوب نیست. جامعه‌ای که انسانها در آن از یکدیگر احساس ناامنی کنند، هر انسانی احساس کند که به او حسد می‌ورزند، نسبت به او بددلی دارند، نسبت به او کینه‌ورزی می‌کنند، برای او توطئه می‌چینند و نسبت به او و دارایی‌اش حرص می‌ورزند، راحتی در این جامعه نیست. اما اگر در جامعه‌ای فضایل اخلاقی بر دل و جان مردم حاکم باشد، مردم نسبت به یکدیگر مهربان باشند، نسبت به یکدیگر گذشت و عفو و اغماض داشته باشند، نسبت به مال دنیا حرص نورزند، نسبت به آنچه دارند بخل نورزند، به یکدیگر حسد نورزند، در مقابل راه پیشرفت یکدیگر مانع تراشی نکنند و مردم آن دارای صبر و حوصله و بردباری باشند، این جامعه حتی اگر از لحاظ مادی هم پیشرفتهای زیادی نداشته باشد، باز مردم در آن احساس آرامش و آسایش و سعادت می‌کنند؛ اخلاق، این است. ما به این احتیاج داریم. ما باید در دل خود، خلیقات اسلامی را روزه‌روز پرورش دهیم. قانون فردی و اجتماعی اسلام در جای خود، وسیله‌هایی برای سعادت بشرنند (در این تردیدی نیست)؛ اما اجرای درست همین قوانین هم احتیاج به اخلاق خوب دارد.

برای اینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم داریم: یکی تمرین و مجاهدت خود ماست و یکی هم آموزشهای اخلاقی که به وسیله‌ی آموزش و پرورش، مراکز تربیتی و مراکز آموزشی و علمی باید در همه‌ی سطوح به انسانها تعلیم داده شود؛ اینها موظفند. این یک قلم از کارهای لازم در سال پیامبر اعظم الهی است؛ یعنی خودمان را در خلیقات فاضله، مؤمن و مسلمان و تابع پیغمبر کنیم. یک فهرستی از صفات رذیله و زشت تهیه کنیم و ببینیم که هر کدام از آنها در ما هست، سعی کنیم آن را کنار بگذاریم. همچنین یک فهرستی از خلیقات نیک تهیه کنیم و سعی کنیم با تمرین، آنها را برای خود فراهم کنیم. البته عامل پیشرفت در این راه، محبت است؛ محبت به خدا، محبت به پیامبر، محبت به این راه، محبت به آموزگاران اخلاق - یعنی پیامبران و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) - این عشق است که انسان را در این راه با سرعت پیش می‌برد؛ این عشق را باید در خودمان روزه‌روز بیشتر کنیم.

«اللهم ارزقني حبك و حب من يحبك و حب كل عمل يوصلني الي قربك»؛ محبت خدا، محبت محبوبان الهی و محبت کارهایی که محبوب الهی است؛ این عشقها را در دل خود برویانیم. این یک قلم از تعلیمات پیامبر، در سال پیامبر اعظم است.

یک قلم دیگر مسئله‌ی استقامت و ایستادگی است. در سوره‌ی «هود» خدای متعال به پیغمبر می‌فرماید: «فاستقم كما امرت و من تاب معك و لا تطغوا». یک روایتی از پیغمبر هست که فرمود: «شیتتی سوره هود»؛ یعنی سوره‌ی «هود» من را پیر کرد؛ از بس بار این سوره سنگین بود. کجای سوره‌ی هود؟ نقل شده است که مراد، همین آیه‌ی «فاستقم كما امرت» است. چرا پیغمبر را پیر کند؟ چون در این آیه می‌فرماید: همچنانی که به تو دستور دادیم، در این راه ایستادگی کن، استقامت کن و صبر نشان بده. خود این ایستادگی کار دشواری است. این «صراط» است؛ پل صراطی که مظهر آن را در روز قیامت برای ما تصویر کرده‌اند. باطن عمل و راه ما در اینجا، همان پل صراط است؛ ما الان داریم روی پل صراط حرکت می‌کنیم؛ باید دقت کنیم. اگر انسان بخواهد این دقت را در همه‌ی رفتار خود به کار بگیرد، او را پیر می‌کند. لیکن از این مهمتر به گمان من، آن جمله‌ی بعد است: «و من تاب معك». پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی کند؛ باید خیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادار کند. انسانهایی که از یک طرف در معرض هجوم بلایا و مشکلات زندگی هستند - دشمنان، توطئه‌گران، بدخواهان و قدرتهای مسلط - و از طرف دیگر، مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند - خواهشهای نفسانی و دل بی‌طاقت انسان که از زر و زیور دنیا مجذوب می‌شود و به سمت آنها کشیده می‌شود - از این صراط مستقیم، به چپ یا راست انحراف پیدا می‌کنند. محبت طلا و نقره، محبت پول، محبت شهوات جنسی، محبت مقام و اینها، چیزهایی است که هر کدام، یک کمندی بر گردن دل انسان می‌اندازند و آن را به سمت خودش می‌کشاند. مقاومت و ایستادگی در مقابل اینها که انسان پایش نلغزد: «و من تاب معك»؛ مؤمنین را در بین این دو جاذبه‌ی قوی - جاذبه‌ی فشار دشمن و جاذبه‌ی فشار درونی دل هوسران - و این دو مغناطیس، در خط مستقیم نگه داشتن و هدایت کردن، به گمان زیاد، این، آن کاری است که پیغمبر را پیر کرد.

می‌دانید نبی اعظم اسلام مسلمانها را - چه در دوران مکه (سیزده سال) و چه در دوران تشکیل حکومت در مدینه - از چه گذرگاههای لغزنده و دشواری عبور داد و به آن قله‌ها رساند؟ یک چنین حرکت عظیمی، کار هیچ انسانی نبود. آن مردمی که هیچی نمی‌فهمیدند و از اخلاق انسانی هیچ بویی نبرده بودند؛ پیغمبر اینها را به انسانهایی تبدیل کرد که فرشتگان الهی در مقابل عظمت و نورانیت آنها احساس حقارت می‌کردند. استقامت، این است. امروز ما احتیاج به استقامت داریم. ما هم از یک

طرف، جاذبه‌های زندگی رنگارنگ، دلها و هوسهای ما را برمی‌انگیزد. ما در دوران انقلاب، چقدر آدمها دیدیم که دلها و اعتقادهای خوبی داشتند؛ اما در مقابل راحت‌طلبی، شهوات، قدرت و مقام، تعریف این و آن، و تهدید دشمن طاقت نیاوردند، به یک طرف لغزیدند و به معارضان و احياناً معاندان راه خدا تبدیل شدند. بنابراین ایستادگی لازم است. در مقابل دشمن هم ایستادگی لازم است. دشمن تهدید می‌کند، وعید

استقامت کردن در مقابل فریبها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد؛ به جایی که دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد یا در مقابل او تسلیم شود.

و وعده می‌دهد، دائم عظمت خود را به رخ جامعه‌ی اسلامی و پیشرو می‌کشد، با زبان زور صحبت می‌کند و احياناً زبان زور را با برخی شیرینی‌های وعده‌های فریبنده در هم می‌آمیزد تا اینکه دلها را گمراه کند. استقامت کردن در مقابل فریبها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد؛ به جایی که دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد یا در مقابل او تسلیم شود.

ملت ما این بخش از قضیه را از اول انقلاب تا امروز، خوب عمل کرده‌اند و ایستادگی کرده‌اند. شما بسیجیها یکی از نمونه‌های برجسته‌ی این استقامتید. یک وقتی در دوران دفاع مقدس، شرق و غرب دنیا با هم علیه ملت ما همدست شدند؛ ملت ایستاد؛ امام مثل کوه استواری ایستاد و ملت هم به او لیبیک